

## وضعیت حجاب زنان در عصر نبوی با تمرکز بر مستندات تاریخی

ناهید طیبی\*

### چکیده

ارائه تصویری مستند از تاریخ اجتماعی عصر نبوی در سایه بررسی روایات و گزارش‌های تاریخی و گاه ردیابی گدهایی که از مدلول‌های فرعی و -نه اصلی- این روایات و گزارش‌ها استخراج می‌شود، امکان‌پذیر است. حجاب شرعی به‌عنوان یکی از احکام دین اسلام با توجه به بروز و ظهور اجتماعی از مقوله تاریخ اجتماعی است و افزون بر آیات و روایات و داده‌های فقهی می‌توان از گزارش‌های تاریخی استفاده کرد. در نوشتار حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و براساس مستندات تاریخی با محوریت پوشش زنان عصر نزول، وضعیت حجاب در عصر نبوی تبیین می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق، مستندات تاریخی بیانگر پوشش زنان در عصر نبوی را می‌توان در دو بخش پیش و پس از نزول آیات حجاب پژوهید. پیش از نزول آیات حجاب، پوشیدگی زنان به مقتضای فرهنگ قومی و قبیله‌ای و التزام به ادیان و آیین‌های پیش از اسلام و شاید گرایش فطری به پوشیدگی است و پس از نزول آیات حجاب، این التزامات فرهنگی قومی و قبیله‌ای جای خود را به الزام اطاعت از قوانین شریعت داد و نوع مواجهه پیامبر ﷺ با پوشیدگی زنان به اهمیت اجرای این حکم افزود. آنچه مسلم است نادرستی تعمیم نوع و میزان حجاب، اعم از حجاب حداقلی و حداکثری، به‌طور یکسان به تمام مناطق شبه‌جزیره است؛ زیرا نظام قبیله‌ای به سبب تنوع فرهنگی، رفتار یکسان اجتماعی را برنمی‌تابد و تنها می‌توان اثبات کرد که اصل پوشیدگی پیش از نزول آیات حجاب وجود داشته است و پس از آن به‌عنوان حکم شرعی ضابطه‌مند و برجسته‌تر شد.

واژگان کلیدی: زنان، حجاب زنان، حجاب زنان در عصر نزول، تاریخ صدر اسلام، سیره نبوی.

\* پژوهشگر و مدرس جامعه الزهرا، دکتری تاریخ اهل بیت، مدرسه عالی بنت‌الهدی tayyebi110@yahoo.com تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

### تبیین مسئله

پوشیدگی و به اصطلاح اسلامی حجاب شرعی، افزون بر مسئله‌ای شرعی و فقهی، در مقوله رفتارهای اجتماعی مسلمانان قرار می‌گیرد؛ از این رو، کلیت و در مواردی جزئیات این رفتار در روایات و گزارش‌های تاریخی ثبت شده است. شناخت وضعیت پوشش زنان در عصر نبوی، به‌عنوان مخاطبان اولیه حجاب شرعی، تحقیقی بنیادین برای تبیین علمی مسئله حجاب در عصر حاضر است. این نوشتار در صدد است به روش تاریخی و با ارائه گزارش‌هایی که از یک‌سو نشانگر وجود حجاب در عصر نبوی است و از دیگر سو، نمایانگر دغدغه اهل بیت (علیهم‌السلام) نسبت به حجاب، کم‌حجابی و بدحجابی است، تصویری از وضعیت حجاب در عصر نبوی ارائه دهد. با توجه به ایجاد تحولات و جریان‌های اجتماعی عصر حاضر با محوریت حجاب، ارائه تصویری واقعی از حجاب زنان در عصر نبوی ضرورت دارد. از سویی دستاورد تحقیق حاضر می‌تواند پاسخی به ادعای نبود گزارشی تاریخی مبنی بر پوشش زنان در عصر نبوی (ترکاشوند، ۱۳۸۰، ص ۸۱۷) و عدم مخالفت و مقابله پیامبر ﷺ و پیشوایان دینی صدر اسلام با بی‌حجابی (ایازی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵) باشد.

### پیشینه تحقیق

عشایری منفرد (۱۳۹۳) در مقاله «پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ» با جست‌وجو در منابع لغوی، روایی، تاریخی و ادبی به مطالعه امکانات فرهنگی و اجتماعی عصر جاهلی و صدر اسلام پرداخته تا ثابت کند «آیا فرهنگ پوششی آن روزگار مانع از تحقق حجاب شرعی حداکثری می‌شده است یا خیر؟». از همین نویسنده مقاله دیگری با عنوان «معماری و حجاب در حجاز عصر پیامبر ﷺ» در سال ۱۳۹۸ در مجموعه‌ای با عنوان «پوشش زنان در زمان پیامبر ﷺ» منتشر شده است. عشایری منفرد با استناد به گزارش‌هایی در مورد معماری شبه جزیره، اعم از خانه‌ها، تعداد اتاق‌ها، ورودی منازل، سرویس‌های بهداشتی و نیز خروج زنان از خانه و خلوت‌گزینی برای تماس جنسی، به‌عنوان یک رسم عربی برای

اثبات ارتباط حجاب و فرهنگ پوشیدگی با معماری در عصر پیامبر ﷺ تلاش می‌کند (ر.ک: دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ص ۲۱۹-۲۵۱). مقاله «بررسی نظریه حجاب حداقلی درباره وضعیت پوشش در عصر جاهلیت و صدر اسلام» نگاشته محمدرضا شاه‌سنایی و محمدکاظم طباطبایی (۱۳۹۶) با عنوان «چگونگی حجاب در عصر نزول قرآن؛ تحلیل و نقد دیدگاه‌ها» که در سال ۱۳۹۶ در مجله پژوهش‌های تاریخی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان (سال ۵۳، ش ۲، ص ۸۹-۱۰۴) چاپ شده است نیز با استفاده از منابع ادبی و گزارش‌های تاریخی درصدد اثبات وجود حجاب حداکثری در صدر اسلام است. گرچه هر سه مقاله، مرتبط با مسئله تحقیق است و به حجاب در صدر اسلام پرداخته‌اند، اما بیشتر بر تاریخ اجتماعی عصر جاهلی و صدر اسلام متمرکز شده‌اند و از سیره و گزارش‌های مربوط به برخورد پیامبر با حجاب زنان استفاده نشده است؛ در حالی که در تحقیق حاضر به نقد ادعای مسئله‌نبودگی و عدم برخورد با بی‌حجابی در عصر پیامبر ﷺ براساس سیره و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداخته می‌شود. در رساله دکتری با عنوان «چگونگی حجاب در عصر نزول قرآن؛ تحلیل و نقد دیدگاه‌ها» نوشته محمدرضا شاه‌سنایی که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه قرآن و حدیث در قم دفاع شد نیز با استفاده از منابع تاریخی، تفسیری و ادبی، به‌ویژه اشعار جاهلی و با رویکرد اثباتی به مسئله بودگی به نقد نظریه حجاب حداقلی در عصر جاهلی و دلایل مدعیان پرداخته شده است. مقاله «بازتاب گفتمان حریم جنسیتی پیامبر ﷺ در صدر اسلام»، نوشته دکتر محسن الویری و سیده‌محمد مهدی موسوی‌نیا منتشر شده در کتاب پوشش زنان در زمان پیامبر جلد اول از سلسله کتاب‌های حجاب پژوهی در سال ۱۳۹۸ از مباحث مهم و مرتبط با موضوع مقاله حاضر است (ر.ک: دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ص ۲۷۵-۲۹۴).

کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ نوشته امیرحسین ترکاشوند، حجیم‌ترین اثری درباره شواهد تاریخی عصر پیامبر ﷺ است و بخشی از آن به‌طور مستقیم بر حجاب در عصر نبوی تمرکز دارد. نویسنده عنوان بخش اول کتاب را «حجاب پیش از اسلام و واکنش مسلمانان» نهاده، اما معتقد است بهتر بود از عنوان «واکنش و

ارشادات پیامبر» استفاده می‌کرد تا بیانگر موضع رسمی جامعه اسلامی باشد، اما این انتخاب به دلیل مواجهه با انبوهی از احادیث ساختگی و نیز با احادیث کاملاً متناقض که تشخیص انتساب آنها به پیامبر دشوار است، مشکل مهمی ایجاد می‌شد (ترکاشوند، ۱۳۸۰، ص ۲۹). گشودن دریچه‌ای جدید از تاریخ برای حجاب‌پژوهان، کثرت تتبع و آزادی قلم از نکات مثبت این اثر است و حجیم بودن و بیان نکات تکراری و غیرلازم و حتی غیرمرتبط در برخی مواضع کتاب، عدم بهره‌مندی از روش مشخص علمی در نقل و نقد داده‌ها و برخورد گزینشی در انتخاب روایات و در مواردی قضاوت‌های جانبدارانه از نقاط ضعف اثر است.

در مجموع، اثری که به‌طور مستقل با استفاده از گزارش‌های تاریخی تصویری شفاف و قابل طرح به حجاب در عصر نبوی پرداخته باشد، دیده نشد و تحقیق حاضر پس از دریافت این عدم شفافیت، اثری جدید به‌شمار می‌رود.

### الف) بایسته‌های مطالعات حجاب‌محور در عصر نبوی

#### ۱. ضرورت توجه به اقتضائات نظام قبیله‌ای

از ضروریات مطالعه حجاب در عصر نبوی با رویکرد تاریخی، توجه ویژه به نظام قبیله‌ای و اقتضائات فرهنگی جامعه عصر نزول است. به‌لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی و سیاسی در شبه‌جزیره عربستان در عصر نزول قرآن، نظام قبیله‌ای حاکم بوده و فرهنگ و رفتارهای اجتماعی مردم این عصر براساس نظام قبیله‌ای شکل می‌گرفت. وقتی چنین نظامی در جامعه‌ای حاکم باشد، نمی‌توان به‌صورت یکپارچه حکم خاصی برای آن در نظر گرفت و مردم هر منطقه با توجه به ویژگی‌های قبیله‌ای و اقتضائات قومی و فرهنگی خود به مسئله حجاب توجه می‌کردند، برای نمونه برخی با رویکرد تاریخی به مسئله حجاب، فقر اقتصادی جامعه و پایگاه حکومت اسلامی را عامل حجاب حداقلی می‌دانند.

همچنین ادعاهایی مانند بی‌انضباطی جنسی با این استدلال که وجود پدیده‌ای در حد یک‌چهارم افراد جامعه کافی است تا آن را بالای شایع و رایج به‌شمار آوریم (ترکاشوند، ۱۳۸۰، ص ۵۶۱) و اینکه در طواف، زن و مرد لخت مادرزاد طواف

می‌کردند و حتی تا سال پنجم هجری، مردم عصر نزول عربان بودند و با نزول آیه ۳۱ نور، مؤمنان موظف به پوشاندن عورت‌هایشان شدند. پوشاندن شرمگاه، نخستین نمود مؤمنانه زیستن در حوزه زندگی خانوادگی و اجتماعی بود (mkadivar.wpengin.e.com)<sup>۱</sup> که به صورت موجه کلیه در مورد فرهنگ و تاریخ اجتماعی عصر جاهلی و حتی عصر نزول که همچنان تابع برخی از نظامات اجتماعی عصر جاهلی بودند، بدون توجه به نظام قبیله‌ای بیان شده است. به اعتقاد آذرنوش، اشکال اساسی این‌گونه مطالعات، «فقر تاریخی‌گری» است که عامل برداشت‌های مخدوشی از آیات و روایات می‌شود. وی با اشاره مستدل به اینکه فقر مالی فراگیر در همه جای شبه‌جزیره وجود نداشته است و از تدمر و حیره تا مکه و یمن، ثروت و تجارت و تمدن به شکل قابل توجهی وجود داشته، ادعایی مبنی بر اینکه مسلمانان در آن روز به سبب فقر و تنگدستی نمی‌توانستند لباس تهیه کنند، را رد می‌کند و می‌گوید هر سند تاریخی - حتی تاریخ بیهقی - را نمی‌توان بدون دید انتقادی و تحلیل بررسی کرد و برگزید (آذرنوش، سایت مشرق).

به‌طور مشخص مردم یک جامعه که یهودی، مسیحی و ملتزم به دین حنیف بودند که روابط جنسی تعریف‌شده متناسب با شریعت و آیین خویش داشتند و همچنین تعهدات و تعصبات قبیله‌ای در برخی از قبایل آنها حکم می‌کرد و ملتزم به اخلاق قبیله‌ای باشند، را نمی‌توان مبتلا به بی‌انضباطی جنسی و یا ناپوشیدگی تلقی کرد، برای نمونه صفیه، دختر حُی بن اخطب یهودی در شرح ماجرای اسارت خود در نبرد خیبر گوید: «در حالی که بر سرم پوششی داشتم مرا نزد رسول خدا ﷺ بردند و...» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۷۵).<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: سایت شخصی محسن کدیور (خلاصه‌ای از جلسه مجازی پرسش و پاسخ دانشجویان ایرانی دانشگاه بین‌المللی سنگاپور با محسن کدیور، بخش اول) (۱۳۹۱/۴/۲۵).  
۲. ر.ک: کرسی آزاداندیشی «حجاب در بستر تاریخ و فرهنگ عصر نزول»، سایت مشرق، ۱۳۹۵/۳/۱۵.

## ۲. تفکیک داده‌های تاریخی و شواهد تاریخی

از جمله مشکلات روشی در استنادات تاریخی، عدم تبدیل داده‌ها به شواهد تاریخی است که از الزامات روش پژوهش تاریخی به‌شمار می‌رود. اکتفا به داده‌های تاریخی که مواد اولیه استدلال‌ها را تشکیل می‌دهند، بدون تبدیل آنها به شواهد تاریخی پس از ارزیابی درونی و بیرونی و نقد درونی و بیرونی متن گزارش‌ها و بدون در نظر گرفتن بستر تاریخی صدور گزارش‌ها و انگیزه‌ها و منافع ناقلان آنها از روشمندی یک فعالیت پژوهشی تاریخی می‌کاهد. نمونه‌هایی از این بی‌توجهی به بستر تاریخی و اکتفا به داده‌ها بدون ارزیابی موثوق‌الصدور بودن آنها عبارت‌اند از عدم ذکر سرگذشت زنی به نام «ضبانة» و طواف عریان وی، القای اینکه حتی تا یکی دو سال پیش از رحلت پیامبر ﷺ و تحت اشراف وی طواف عریان رواج داشته است در حالی که فتح مکه و نهی طواف عریان در سال هشتم هجری صورت گرفت و اگر هم طواف عریانی پیش از این واقعه بوده، ارتباطی با پیامبر ﷺ نداشته و تحت نظر کفار قریش صورت می‌گرفته است. حتی در مورد طواف عریان ضباعه (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۲۱؛ ابن حبیب بغدادی، بی‌تا، ص ۱۲۹) بی‌توجهی به زمینه تاریخی این رفتار، روشمند نبوده و تکیه بر داده‌هاست نه شواهد.

ارزیابی بیرونی روایات و گزارش‌ها، اعم از نقد سند و اثبات اصل صدور -به‌گونه‌ای که موثوق‌الصدور باشد- و ارزیابی درونی این گزارش‌ها با عرضه مضامین آنها به قرآن، دیگر روایات موازی، سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، عقل، شواهد تاریخی و مبانی کلامی مورداطمینان و در صورت لزوم، یافته‌های علمی و زبان‌شناسی از راه‌های تفکیک شواهد از داده‌های تاریخی است.

## ۳. تمرکز بر رابطه اصل حجاب و دغدغه حجاب

بحث وضعیت حجاب در عصر نزول قرآن، معمولاً از دو زاویه قابل طرح است: یکی اینکه حجاب در عصر نزول چگونه بوده است؛ دیگر اینکه اصلاً آیا حجاب در عصر نزول قرآن، مسئله و دغدغه بوده است یا خیر. در صورت اول، گزارش‌ها و گداهای مفهومی مرتبط با حجاب استخراج و طبقه‌بندی و تحلیل می‌شود، اما وقتی

گفته می‌شود مسئله نبوده، یعنی دغدغه نبوده است و گزارشی حاکی از مسئله‌بودگی پوشش و وجود نگرانی نسبت به آن پیدا نمی‌شود. اینجا باید اثبات شود که گزارش‌های نشان‌دهنده مسئله بودن حجاب در عصر نزول قرآن و عصر نبوی، وجود دارد.

بررسی پوشش و کیفیت تشریح آن در قرآن بیانگر مسئله‌بودن حجاب و طراحی نظام‌مند آن است. ترتیب نزول سوره‌ها در قرآن‌های موجود براساس موضوع است، اما قرآن‌پژوهان براساس دلایل، قرائن و شواهد علمی و تاریخی، فهرستی از ترتیب تاریخی سوره‌ها ارائه داده‌اند (معرفت، بی‌تا، ص ۵۶) که با توجه به این ترتیب تاریخی نزول می‌توان گفت: آیات مربوط به حجاب و پوشش در هفت سوره براساس منطقی تدریج، تنظیم شده است. مجموع سوره‌هایی که در آنها به تصریح یا تلویح به حجاب پرداخته شده است به ترتیب تاریخی نزول - و نه ترتیب قرآن‌های موجود - عبارت‌اند از: اعراف (سوره ۳۸)، واقعه (سوره ۴۶)، صافات (سوره ۵۶)، نحل (سوره ۷۰)، احزاب (سوره ۹۰)، الرحمن (سوره ۹۷)، و نور (سوره ۱۰۳) که با دقت در مضامین آیات مربوط به پوشیدگی در این سوره‌ها متوجه مرحله‌ای و تدریجی بودن شکل‌گیری حکم حجاب و آگاهی‌های مربوط به آن خواهیم شد. سوره نور (در بردارنده آیات احکام حجاب عمومی) و بیان حکم حجاب در بین احکام اجتماعی زنان و مردان مومن در این سوره نشانگر قرار گرفتن حکم حجاب در سنخ امور اجتماعی است. مراحل شکل‌گیری حکم حجاب براساس آیات هفت‌گانه یادشده عبارت است از:

- بیان نیاز فطری انسان به پوشیدگی؛
- ابزار تهیه پوشش و زینت، کارکرد طبیعی پوشش؛
- محافظت از گرما و سرما؛
- تعیین و تبیین حجاب اختصاصی گروه خاص قبل از تشریح حجاب عمومی؛
- انطباق ویژگی‌های زنان بهشتی با تعریف مردم عصر نزول از زن برتر؛
- تشریح حجاب عمومی با جزئیات در سوره نور.

#### ۴. سیاست پیامبر ﷺ در مسئله حجاب؛ اختباء یا اختمار؟

به نظر می‌رسد پیش از مطالعات تاریخی و استخراج شواهد تاریخی بر وضعیت حجاب در عصر نزول، بررسی سیاست کلی پیامبر ﷺ نسبت به پوشش ضرورت دارد. این سیاست را از متن گزارش‌ها می‌توان ردیابی کرد. در سنن ابن‌ماجه (م ۲۷۳) در بابی تحت عنوان «باب اذا حاضت الجاریه لم تصل الا بخمار» از عایشه نقل شده است که روزی پیامبر ﷺ نزد وی آمد و او کنیز آزادشده‌اش را از آن حضرت پنهان کرد. پیامبر فرمود: آیا حیض شده است؟ گفتم: بله. پیامبر عمامه خود را پاره کرد و فرمود: پس او را با این پیوشان (ابن‌ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۹).

نکته مهم اینکه هم‌واژه «اختباء» در برخورد عایشه و هم «اختمیری بهذا» که توصیه پیامبر ﷺ در گزارش است نشان از اهمیت پوشیدگی و حجاب در برابر نامحرم در عصر نبوی دارد. «اختباء» در لغت به معنای پنهان کردن و استتار آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶)، یعنی عایشه ابتدا دخترک را مخفی کرد تا پیامبر او را نبیند، اما اختمار مانند «اختمرت المرأه بالخمار؛ زن با خمار خود را پوشاند»، به معنای پوشاندن به وسیله چیزی است که معمولاً با حرف باء می‌آید (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۶۳). پرسش پیامبر از اینکه آیا او حیض می‌شود (حاضت؟) نشانگر لزوم پوشش و حجاب زن بالغ در عصر نبوی است که اگر این لزوم نبود هم عایشه با ورود پیامبر ﷺ دخترک را پنهان نمی‌کرد و هم پیامبر در مورد حیض شدن وی پرسش نمی‌نمود، اما دریافت مهم‌تر اینکه تکه‌ای جدا شده از عمامه پیامبر بی‌تردید نمی‌توانست تمام بدن کنیز را بپوشاند و می‌توان گفت با آن تنها سر کنیز پوشیده می‌شد و در این صورت معنای مشهور خمار که سرپوش یا روسری است تقویت می‌شود. به‌ویژه که جنس پارچه عمامه در آن زمان - برخلاف امروزه - ضخیم بوده و مقدار کمی از آن برای پوشیدگی سر مردان استفاده می‌شد و منطقاً برای اینکه بعد از جدا کردن تکه‌ای که بخشیده شد، همچنان حالت عمامه را داشته باشد، قسمت کوچکی از آن جدا شده است.

عملکرد پیامبر ﷺ، مانند پاره کردن عمامه و اعطای آن به دختر نوجوان، نشانگر اهمیت پوشش زنان از نظر پیامبر ﷺ است و نوع برخورد آن حضرت با پوشش



نامناسب را می‌نمایاند و از سویی، سیاست آن حضرت که ترجیح حضور زنان با شرایط اختمار بر اختباء (پنهان کردن) آنان است، برداشت می‌شود. در واقع، اصل حجاب، مجوزی بر حضور اجتماعی است؛ زیرا در خانه و برابر محارم نیازی به احکام پوشش نیست.

**ب) وضعیت پوشیدگی زنان عصر نبوی با استناد به گزارش‌های تاریخی**  
پوشیدگی زنان در عصر نبوی به دو بخش پیش و پس از نزول آیات حجاب قابل تقسیم است که در مورد هر یک مستندات وجود دارد.

#### ۱/ب) پوشش زنان عصر نبوی پیش از نزول آیات حجاب

کیفیت پوشش زنان صدر اسلام، پیش از آیات حجاب را یا از گزارش‌هایی که مستقیماً مربوط به پوشش است، می‌توان استخراج نمود و یا از ردیابی گزارش‌هایی با موضوعات غیر حجاب که با استفاده از جزئیات ثبت شده در آنها اطلاعاتی از پوشش دریافت می‌شود، البته آیات و روایات نیز بیانگر اهمیت پوشیدگی حتی قبل از نزول آیات حجاب است. در قرآن بارها با تعبیری مانند «أَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقع، ۲۳)<sup>۱</sup> «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (صافات، ۴۹)<sup>۲</sup> و «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (الرحمن، ۷۲)<sup>۳</sup> و «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ» (صافات، ۴۸؛ ص، ۵۲؛ الرحمن، ۵۶)<sup>۴</sup> تصریح به پوشیدگی حورالعین شده و حتی این پوشیدگی از ویژگی‌های ممتاز آنان شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد مجموعه آیاتی با این مضامین قبل از نزول سوره نور و تشریح حجاب عمومی به‌طور شناور، اهمیت حجاب در صدر اسلام را برمی‌تابد. در منابع اهل سنت نیز روایت صحیحی از پیامبر نقل شده که پس از نقل صفات حورالعین فرمود: «ارزش پوششی که آن زن بهشتی بر سر دارد از دنیا و آنچه در آن

۱. و حورالعین که همچون مروارید پنهان شده در صدف است. این وصف در مورد غلمان نیز آورده شده است: «غلمان لهم كأنهم لؤلؤ مکنون» (طور، ۳۴).  
۲. گویا [از لطافت و سپیدی] آنان [همسران بهشتی] همچون تخم مرغ‌هایی هستند که پوشیده شده‌اند.  
۳. حوریانی که در خیمه‌های بهشتی مستورند.  
۴. زنانی که فقط به همسرشان اکتفا می‌کنند.

است، ارزنده‌تر است» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۰۳).<sup>۱</sup> «نصیف» لباسی است که زنان به وسیله آن کل لباس هایشان را می‌پوشاندند و به آن نصیف می‌گفتند؛ زیرا بین آنان و مردم مانع می‌شود و چشم‌ها از نگاه به زنان با پوشش نصیف منع می‌شوند (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۲، ص ۱۴۳)، البته در منابع لغوی به آن معجر هم گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۳۳۲).<sup>۲</sup>

۱. امر پیامبر ﷺ به پوشاندن بدن زنان عصر جاهلی پس از ظهور اسلام گزارشی در مورد امر به پوشیدگی زنان توسط پیامبر ﷺ وجود دارد که مقریزی نقل کرده است. وی می‌نویسد: ابوالحسن مدائنی در کتاب النساء اللاتی لم یکن مستترات از مجاهد از ابن اسحاق نقل می‌کند، زنان جاهلی خود را نمی‌پوشاندند و هندبنت عتبه این مطلب را به پیامبر گفت و آن حضرت با تعبیر «لا بد من التستر»، به پوشاندن بدن زنان امر کرد (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۱۷). ظاهراً در زمان مقریزی کتابی با این نام از مدائنی وجود داشته است که امروزه با وجود تلاش بسیار نگارنده این نوشتار در منابع چاپی و نرم‌افزارهای شیعی و اهل سنت چنین اثری از مدائنی یافت نشد. در هر حال، ثبت این اعتراض دلیل تاریخی دیگر بر وجود حجاب در صدر اسلام است. در واقع، گزارش مذکور، عدم مقاومت روانی اکثریت زنان در برابر این حکم و گرایش آنان به پوشیدگی را می‌نمایاند.

## ۲. خمار بر سر حضرت خدیجه علیها السلام

ابن هشام در بابی با عنوان «امتحان خدیجة برهان الوحی» از ابن اسحاق از اسماعیل بن ابی حکیم مولی آل الزبیر<sup>۳</sup> گزارشی نقل می‌کند که نشانگر پوشش سر حضرت خدیجه علیها السلام در ابتدای رسالت پیامبر ﷺ و قبل از نزول آیات حجاب

۱. لنصیفها علی رأسها خیر من الدنیا و ما فیها.

۲. نصیف المرأة معجراها.

۳. وی اسماعیل بن ابی حکیم القرشی است که از سعید بن المسیب و قاسم بن محمد و عبیده بن شعبان الحضرمی و دیگران روایت نقل کرده و مالک و ابن اسحاق و اسماعیل بن جعفر و ابوالأسود و دیگران هم از وی نقل روایت کرده‌اند و در سال ۱۳۰ هـ. ق وفات یافت.

است. وی این روایت را با تفاوت الفاظ از عبدالله بن حسن نیز نقل می‌کند که از مادرش، فاطمة بنت حسین شنیده بود و در این روایت به جای «فتحسرت و ألفت خمارها و رسول الله ﷺ جالس فی حجرها»، تعبیر «أدخلت رسول الله ﷺ بينها و بین درعها، فذهب عند ذلك جبریل» آمده است. براساس این گزارش، حضرت خدیجه از پیامبر می‌خواهد هرگاه کسی که می‌گوید با او ملاقات می‌کند [جبرائیل] نزد وی آمد به خدیجه خبر دهد و چون جبرئیل بر آن حضرت نازل شد، به همسرش خبر داد. خدیجه عرض کرد: برخیز و در طرف چپ در کنار من بنشین. حضرت چنان کرد، خدیجه عرض کرد: او را می‌بینی؟ فرمود: آری، عرض کرد: برخیز و در طرف راست در کنار من بنشین، رسول خدا چنان کرد. باز پرسید: او را می‌بینی؟ فرمود: آری. عرض کرد: در دامنم بنشین، رسول خدا نشست و خدیجه عرض کرد: باز او را می‌بینی؟ فرمود: آری. خدیجه سرش را برهنه ساخت و خمار خود را برداشت و عرض کرد: اکنون نیز او را می‌بینی؟ رسول خدا فرمود: نه. عرض کرد: ثابت قدم باش و مژده باد تو را که او فرشته است و شیطان نیست (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۰۳؛ ابن اثیر، ۱۹۷۰، ج ۶، ص ۸۳). ابن عبدالبر و ذهبی همین گزارش را با اندک تفاوت، ولی با همان سند آورده‌اند. در این نقل، تعبیر «فألفت خمارها و حسرت عن صدرها» به جای «فتحسرت و ألفت خمارها» در مورد حجاب حضرت خدیجه دیده می‌شود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۱۶). شعیب ارنؤوط محقق کتاب سیر اعلام النبلا ذهبی در پاورقی می‌نویسد که این مطلب از ابن هشام است و رجال او هم از ثقات هستند جز اینکه منقطع است (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۱)، البته هیچ‌یک از روایان این روایت در زمان وقوع واقعه حضور نداشته‌اند و تنها از حضرت خدیجه نقل می‌کنند و به لحاظ متن نیز با قرآن و دیگر روایات سازگاری ندارد؛ زیرا صفات پیامبر ﷺ در تورات و انجیل ذکر شده و برای همین اهل کتاب او را مانند پسران خود می‌شناختند و روایت شده «کانوا یعرفونه کما یعرفون أبناءهم» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۸۳) و از سویی ارهاصات (خوارق عادات پیش از نبوت) برای خود پیامبر اطمینان‌آور بود

و نیازی نبود که حضرت خدیجه علیها السلام با آزمون فرشته وحی، برای پیامبر اطمینان حاصل کند!

از آنجا که امکان پذیرش بخشی از یک روایت وجود دارد؛ البته بخشی که مدلول اصلی روایت نیست، آنچه در رابطه با مسئله حجاب حضرت خدیجه می‌توان از روایت مذکور استفاده کرد، این است که در کتب تاریخی مهم در قرن سوم و چهارم، مانند سیره ابن‌هشام و تاریخ طبری گزارشی وجود دارد که نه در مدلول اصلی گزارش که اطمینان پیامبر به نبوت است، بلکه در حاشیه آن و مدلول فرعی که هیچ انگیزه‌ای برای جعل و متن‌سازی نیست، مطلبی دال بر پوشیده بودن سر حضرت خدیجه دیده می‌شود. این مطلب، ادعای عدم پوشیدگی حضرت خدیجه به سبب اینکه قبل از نزول آیات حجاب می‌زیسته را رد می‌کند، اگرچه در سند و بخش‌هایی از متن، مشکل داشته باشد. به عبارتی، حتی اگر جعلی هم باشد جاعلی که روایت را جعل کرده و به زمان وقوع قصه نزدیک بوده، خمار را برای حضرت خدیجه می‌آورد و مهم‌تر اینکه با برداشتن خمار، جبرئیل می‌رود و همین نشان فرشته بودن وی تلقی می‌شود و از این بخش روایت، حداقل، مطلوبیت پوشش در ذهن جاعل که در قرن سوم و چهارم بوده نیز معلوم می‌شود.

### ۳. دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به پوشش زنان پس از نبرد احد (امر به تستر)

کلینی به سند متصل از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که در جریان نبرد احد پس از اینکه شایعه کشته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردم آشکار شد و آن حضرت نزد آنها آمد، زنان انصار چهره‌های خویش را خراشیده و موها را پریشان کرده و گریبان چاک زدند. آنان (برای آنکه بدنشان دیده نشود) دامن‌های خویش را به کمر بسته بودند و مراتب علاقه و تأثر شدید خویش را به پیامبر اظهار می‌کردند. رسول خدا که آنها را دید پس از دلداری دادن، دستور داد خود را بپوشانند «أَمَرَهُنَّ أَنْ يَسْتَتِرْنَ وَيَدْخُلْنَ مَنَازِلَهُنَّ» (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۲۲)<sup>۱</sup> و به خانه‌هایشان بروند.

۱. و النساء نساء الانصار قد خدشن الوجوه و نشرن الشعور و جرزن النواصي و خرقت الجيوب و حزن البطون على النبي صلی الله علیه و آله فلما رأينه قال لهن خيراً و أمرهن ان يستترن و يدخلن منازلهن.

مجلسی سند روایت را حسن و چه بسا صحیح می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۲۶، ص ۴۳۱). واژه امرهنّ دلالت بر امر پیامبر دارد که حجت است و کل روایت نشانگر برخورد آن حضرت نسبت به حجاب و پوشیدگی زنان است. در این گزارش از یک سو ابتدا در توصیف رفتار زنان انصار، موی پریشان کردن، گریبان چاک زدن و بستن دامن‌ها به کمر (که مربوط به پوشش زنان است) آمده و از دیگر سو در دستور پیامبر ﷺ دو مورد «تستر» و «رفتن به منزل» وجود دارد و به نظر می‌رسد افزون بر امر به رفتن زنان به خانه‌ها امر به پوشاندن مواضعی که در اثر اندوه آشکار شده است در سخن پیامبر لحاظ شده است.

نمونه دیگر، امر پیامبر ﷺ به همسرش، سوده بنت زمعه است. وی به آن حضرت می‌گوید: پدرم زمعه وقتی از دنیا رفت کنیزی داشت که ما گمان می‌کردیم با مرد دیگری بوده و او فرزندی شبیه آن مرد به دنیا آورد. پیامبر فرمود که سوده از وی حجاب گیرد؛ زیرا برادر او نیست، اما ارث می‌برد (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۵، ج ۶، ص ۴۲۹).

#### ۴. پوشش زنان در گزارش نبرد بنی قینقاع

در منابع تاریخی ذکر شده است در سال دوم هجری (که هنوز حکم حجاب نازل نشده بود) زن مسلمانانی از انصار برای خرید طلا نزد زرگری در بازار بنی قینقاع نشسته بود و چون صورت خود را به طور کامل پوشانده بود یهودیان در صدد دیدن چهره او برآمدند و یکی از یهودیان با خاری دامن وی را به بالای لباسش گره زد و چون او برخاست بخش‌هایی از بدنش نمایان شد. یهودیان مسخره کرده و خندیدند و زن فریاد کشید. مرد مسلمانانی که متوجه ماجرا شد آن یهودی را کشت و یهودیان هم جمع شده او را به قتل رساندند و درگیری شد. یهودیان در قلعه خود سنگر گرفتند و اعلام جنگ کردند و در نهایت، پس از محاصره قلعه توسط مسلمانان، تسلیم شدند. این گزارش در اکثر منابع متقدم تاریخی اهل سنت ثبت شده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷-۴۸؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴). در تحلیل گزارش یادشده نکات زیر را می‌توان مطرح کرد:

- گرچه مسئله توهین به زن مسلمان و پوشش او تنها دلیل وقوع نبرد بنی قینقاع نبود و پیش از آن ماجرا به سبب عهدشکنی های این گروه طبل جنگ بین مسلمانان و یهودیان نواخته شده بود (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۸) و بنا بر نقل ابن هشام، آیه «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَ يُنْصَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ \* قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا» (آل عمران، ۱۲-۱۳) درباره همین گروه نازل شده است، اما اهمیت تعرض به پوشش این زن، جرقه ای برای شعله ور شدن آتش جنگ شد و اتفاقات پیرامون آن، حکایت از موضوعیت و حرمت پوشش زنان نزد مسلمانان دارد؛

- نوع پوشش زن که با تعبیر «امراة من العرب» از وی یاد شده است و اهتمام به حفظ آن در سال دوم هجری نشانگر فرهنگ مردم مدینه و اهتمام به پوشیدگی است، مسئله بودگی پوشش زنان در صدر اسلام را برمی تابد؛

- غیرتی شدن مرد مسلمان (فوثب رجل من المسلمین) از اینکه پوشیدگی یک زن مورد هتک حرمت قرار می گیرد، نشان از فرهنگ عمومی غیرتمندی و حساسیت نسبت به پوشش زنان در عصر نزول است.

##### ۵. تعیین حد پوشش توسط پیامبر ﷺ برای دختر تازه بالغ

از أسماء بنت عمیس نقل شده که رسول خدا بر عایشه وارد شد و خواهر او نیز در حالی که لباس شامی آستین گشادی بر تن داشت آنجا بود. هنگامی که پیامبر او را دید، برخاست و بیرون رفت و وقتی عایشه دلیل را پرسید، فرمود: «آیا ظاهر او را نمی بینی؟! از بدن او جز این نباید آشکار شود». سپس با آستین های خود کف دستانش را پوشاند به گونه ای که جز انگشتان پیدا نبود و کف دستانش را بر صدغین نهاد، به طوری که جز چهره پیدا نبود (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۹۰؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۸۶).<sup>۱</sup> صدغ در معانی شقیقه، گیجگاه، قسمت بالای دو طرف سر، میان گوش و گوشه خارجی چشم، نیز در معنای موهای آویخته بر شقیقه به کار رفته است. برخی آن را به موهای محاذی با بناگوش تا کمی پایین تر از آن هم معنا

۱. فقال: أو لم ترى إلى هيئتها [إنه] (۲) ليس للمرأة المسلمة أن يبدو منها إلا هكذا و أخذ بكمية فغطي بهما كفيه حتى لم يبد من كفيه إلا أصابعه و نصب كفيه على صدغيه حتى لم يبد إلا وجهه.

کرده‌اند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۲۳). این روایت به سه طریق در منابع اهل سنت ذکر شده است که در سند و الفاظ متن اختلافاتی دارند، اما در مضمون مشابه هستند. در طریق دوم، پوشش اسما را با تعبیر «علیها ثياب رقاق» و رفتار پیامبر را با واژه «فأعرض عنها» آورده‌اند. براساس گزارشی از بیهقی (م ۴۵۸ق) پیامبر ﷺ پس از روی گرداندن از اسما وی را خطاب قرار داد و گفت: یا أسماء إن المرأة إذا بلغت المحيض لم يصلح أن یری منها إلا هذا وهذا وأشار إلى وجهه وكفاه؛ ای اسما هنگامی که دختر به مرحله حیض رسید شایسته نیست که جز این و این - و اشاره به صورت و دو کف دست خود کرد- از بدن او دیده شود (بیهقی، بی تا، ج ۲، ص ۹۱). در طریق سوم که در مراسیل ابوداود (م ۲۷۵ق) از هشام دستوایی از قتاده نقل شده، پیامبر به اسما می فرماید: ان الجارية اذا حاضت لم يصلح ان یری منها الا وجهها و یدها الى المفصل (ابوداود سجستانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۰) شبیه این ماجرا در روایتی دیگر از عایشه در مورد دختر عبدالله بن طفیل، برادر مادری وی نیز نقل شده است که پیامبر از این دختر روی برگرداند و فرمود: هنگامی که زن به دوران حیض می رسد، بر او جایز نیست که جز روی خود، جای دیگری را نمایان سازد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۰۵). یعنی پوشش دست‌ها، براساس این روایت لازم بوده است. از آنجا که این ماجرا بعد ازدواج عایشه اتفاق افتاده، باید مربوط به بعد از سال دوم باشد و حال آنکه اسما، دختر ابوبکر هنگام هجرت به عبدالله باردار بوده و فرزندش عبدالله بن زبیر که سال اول یا دوم هجری به دنیا آمد، با تعبیر «اول مولود للمهاجرین بالمدينة» ستوده شده است (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۶۴). بر این اساس قطعاً بزرگ‌تر از عایشه بوده و تازه بالغ نبوده؛ از این رو، نمی توان گزارش مربوط به اسما را پذیرفت، اما ماجرای مشابه مربوط به برادرزاده وی بیشتر قابل پذیرش است.

برخی در نقد استدلال قائلان به حجاب (که مستند به روایت نازکی لباس اسما است) می گویند اینکه به خاطر شرافت سببی اسما با پیامبر ﷺ یا صحابی نزدیک به پیامبر (ابوبکر) یا شرافت نسبی (همسر زبیر) رفتار او را مورد نقد قرار داده و مصلحت نمی بیند که لباس نازک بر تن کند را نمی توان به همه زنان مسلمان تعمیم

داد و یا حکم به الزام را از آن استخراج کرد و روایت، مختص مورد خاص است و با استناد به این روایت حکم حجاب را نمی‌توان استنباط کرد. نیز از فعل «لم یصلح» افاده وجوب نمی‌شود و نهایتاً به معنای «مصلحت نیست» و به‌عنوان امر ارشادی است نه مولوی (قابل، ۱۳۹۲، ص ۸۹-۹۰). باید در نظر داشت تعبیر «ان المرأة اذا...» در سخن پیامبر ﷺ عام بودن مطلب را می‌رساند و اختصاص به خواهرزن پیامبر یا دختر ابوبکر بودن وی نداشته و ارتباطی با ملاحظات سببی و نسبی ندارد، چنان‌که مخاطب برخی از احکام واجب الهی، امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، ابن عباس، و... بودند و نمی‌توان ادعا کرد خویشاوندی آنان سبب صدور این احکام شده است و نباید از آنها استنباط حکم عام در فقه کرد! در مورد امر ارشادی نیز اشکال، قابل خدشه است؛ زیرا اگر چنین باشد با توجه به تعبیر «لم یصلح لها ان یری منها الا هذا و هذا و...» در روایت، لازم می‌آید مشخص بودن بدن زنان از لباس نازک و دیدن آن توسط مردان جایز باشد و حال آنکه این خلاف آیات قرآن، روایات مأثوره و دیگر احکام پوشش است.

در گزارشی دیگر ابن‌سعد به سند خود از مالک از علقمه بن ابی‌علقمه از مادرش نقل کرده است که حفصه دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر، برادرزاده عایشه در حالی که روسری نازکی بر سر داشت و گردن وی نمایان بود، پیش وی رفت. عایشه آن مقنعه را بر تن حفصه پاره کرد و مقنعه‌ای ضخیم بر او پوشاند (ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۸). تعبیر «خمار رقیق یشف عن جیبهها» بدپوششی وی را نشان می‌دهد و تعبیر «أما تعلمین ما أنزل الله فی سورة النور؟» نشان‌دهنده تغییر و تحول در پوشش زنان پس از نزول آیه حجاب است. از سویی برخورد تند عایشه و پاره کردن مقنعه بر سر او قبل از درآوردن آن نمایانگر مسئله‌بودگی پوشش در آن دوره است. گرچه این برخورد از عایشه سرزده است، اما وی در جایگاه همسر پیامبر ﷺ براساس تعالیم آن حضرت رفتار می‌کرده است و مجموعه این برخوردها نشانگر وجوب حجاب در عصر نبوی است.



۲/ب) پوشش زنان عصر نبوی پس از نزول آیات حجاب

### ۱. گزارش‌های مبنی بر تغییر پوشش زنان پس از نزول آیات حجاب

ادعای مسئله‌نبودگی حجاب شرعی در صدر اسلام با واقعیات عصر نزول سازگار نیست و گزارش‌هایی که تغییر رفتار پوششی زنان پس از نزول آیات حجاب و در حقیقت مسئله‌بودگی حجاب و توجه زنان به پوشش را برمی‌تابد، نشانگر این است که فهم مردم عصر نزول از آیات حجاب همان پوشیدگی شرعی بوده و حتی حدّ پوشش سر و مو در این گزارش‌ها مشخص شده است. تغییر رویه زنان پس از نزول آیات حجاب نشان می‌دهد اگر حجاب، توصیه‌ای اخلاقی و یا امری غیرضروری بود، التزام به آن تا این حد محسوس نبود که در گزارش‌هایی متفاوت متذکر آن شوند. برخی معتقدند نباید پنداشت که ضوابط جدید پوششی با وضعیت زندگی مردمان صدر اسلام منافات داشته یا ایشان را به عسر و حرج وامی‌داشته است؛ زیرا گزارش‌ها از عصر جاهلی اثبات می‌کند که جامعه آن روز با صنعت نساجی و خیاطی آشنا بودند (الویری و موسوی‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۲۶۴)؛ بنابراین می‌توان از تغییر و تحول در نحوه پوشش پس از ظهور اسلام سخن گفت، نه ایجاد یک حکم جدید و موارد زیر نمونه‌هایی از این تغییر است:

اول: گزارش عایشه از تغییر حجاب زنان انصار پس از نزول آیات حجاب (نور،

۳۰-۳۱)

بنا بر نقلی از عایشه، پس از نزول آیات حجاب تغییر محسوسی در پوشش زنان مدینه، اعم از انصار و مهاجر، ایجاد شد. وی می‌گوید وقتی آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور، ۳۱) نازل شد، مردان انصار به سوی زنان نشان شتافته، آیات را تلاوت کردند و از آن پس، زنان انصار بر سر خود پارچه‌ای از جنس پشم یا خز می‌انداختند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۱۳؛ بغوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳۹؛ نیز ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۵). آلوسی این تغییر پوشش زنان را مربوط به پس از نزول آیه ۵۹ سوره احزاب می‌داند و گوید: «شققن مروطهن فأعتجرن بها فصلین خلف رسول الله ﷺ كأنما على رؤسهن الغربان فما منهن امرأة إلا قامت إلى مرطها المرحل فأعتجرت به تصديقا وإيمانا بما أنزل الله من كتابه فأصبح وراء رسول

الله ﷺ معتجرات كأن علی رؤوسهن الغربان؛ زنان انصار [پس از شنیدن آیه ۵۹ احزاب] تکه پارچه‌هایی آوردند و سرها را پوشانده و پشت سر رسول خدا نماز خواندند. آنان طوری سر را پوشانده بودند که گویی کلاغ‌های سیاه روی سرشان نشسته‌اند» (آلوسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۸۹). المروط به معنای کیسه‌ها (پارچه‌ها) یا پشمی و یا موئین و شاید هم خز است (زمخشری، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۰). برخی برای غربان، معنای غربال را آورده و گویند مرط پارچه وسیعی از جنس پشم یا خز بود که زنان انصار پس از نزول آیه به سر خود انداختند و برای «غصص بصر» نیز پارچه‌ای شبیه غربال دارای سوراخ‌های متعدد روی صورت خود می‌انداختند (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۵ و ۱۷۸؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۲۹۶) تعابیر تمجیدی که به صورت‌های مختلف، مانند «یرحم الله نساء المهاجرات الأول» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۱۶۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۵) «لنساء قریش لفضلاً» و «إنی واللہ ما رأیت أفضل من نساء الأنصار أشد تصدیقاً لکتاب اللہ و ایماناً بالتنزیل» در گزارش‌ها دیده می‌شود، نمایانگر اهمیت پوشش زنان و موضوعیت آن در عصر نزول است.

نوع تغییر در پوشش و شیوه عمل به آیه و خمار بستن زنان گرچه در روایات ذکر شده، اما به عنوان داده‌های تاریخی مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد رفتار زنان که در تعبیری چون «شققن مروطن فاختمرن بها» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۷۸۲؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۸۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۵)<sup>۱</sup> «أخذن أزرهن فشققنها من قبل الحواشی فاختمرن بها» (ر.ک: اسحاق بن راهویه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۸۴؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۷۸۳) و «فأصبحن وراء رسول اللہ ﷺ معتجرات كأن علی رؤوسهن الغربان» (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۶) منعکس شده، نمایانگر برداشت و جواب - نه توصیه اخلاقی - مخاطبان عصر پیامبر از آیات حجاب است و در هر حال، ایجاد تغییر در فرهنگ پوشش زنان در عصر نزول پس از نزول و استماع آیات سوره نور و تمجید همسر پیامبر ﷺ از آنان

۱. ابن شهاب از عروة از عائشه نقل می‌کند که گفت: خدای رحمت کند زنان مهاجر اول را؛ زیرا وقتی آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» نازل شد کیسه‌های پشمی را شکاف داده و با آن سر را می‌پوشاندند.

مهم‌ترین دلیل تاریخی بر دلالت آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب بر حجاب و مسئله‌بودگی پوشش در آن زمانه است و حداقل اینکه استنباط مخاطب اولیه از این آیات، بهینه‌سازی نوع پوشش بوده است، در غیر این صورت چه لزومی به تغییر بوده است.

دوم: گزارش ام‌سلمه از تغییر حجاب زنان انصار پس از نزول آیه حجاب (احزاب، ۵۹)

گزارش‌های دیگری با همین مضمون از ام‌سلمه و دیگران در مورد تغییر پوشش زنان انصار پس از نزول آیه جلاب (احزاب، ۵۹) وارد شده است (صنعانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۵).<sup>۱</sup> ابن‌کثیر و ابن‌حجر عسقلانی این روایات را گردآوری و در آثار خود بیان کرده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۵؛ ابن‌حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۹۰). مجموعه گزارش‌های یادشده اثبات‌کننده موضوعیت حجاب شرعی در عصر نبوی است.

### ۳. تذکر جهت تغییر پوشش پس از نزول آیات حجاب

ابن‌سعد به سند خود از مالک از علقمه بن ابی‌علقمه از مادرش نقل کرده است که حفصه دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر، برادرزاده عایشه در حالی که روسری نازکی بر سر داشت و گردن وی نمایان بود، پیش وی رفت. عایشه آن مقنعه را بر تن حفصه پاره کرد و مقنعه‌ای ضخیم بر او پوشاند (ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۸). تعبیر «خمار رقیق یشف عن جیبها» بدپوششی وی را نشان می‌دهد و تعبیر «أما تعلمین ما أنزل الله فی سورة النور؟» نشان‌دهنده تغییر و تحول در پوشش زنان پس از نزول آیه حجاب است. از سویی برخورد تند عایشه و پاره کردن مقنعه بر سر او قبل از درآوردن آن نمایانگر مسئله‌بودگی پوشش در آن دوره است.

۱. لما نزلت هذه الآية (یدنین علیهن من جلابیهن) خرج نساء الانصار كأن علی رؤسهن الغربان من السکینه و علیهن اکیسه سود یلبسناها.

#### ۴. ناپوشیدگی زنان در طواف به منزله نقض مفاد صلح‌نامه

از جمله شواهد تاریخی بر پوشش و اهمیت پوشیدگی و حجاب و موضوعیت آن در صدر اسلام، شأن نزول آیات اول سوره توبه است که شدیدترین لحن قرآنی را در آن می‌توان دید. در سال دهم هجری، گروهی از بت‌پرستان برای زیارت خانه خدا آمدند و یک زن از بین آنها براساس آیین خود پس از صدقه دادن همه دارایی خود، لباسهایش را هم به نیت بت خویش صدقه داده و برهنه به طواف خانه خدا پرداخت که آیات سوره توبه خطاب به مشرکان و عهدشکنان نازل شد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۶۲). در منابع تفسیری اهل سنت، بدون ذکر ماجرای مذکور و به‌عنوان یک شعار کلی طایفه اسد و غطفان به این مطلب اشاره شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۱۰). گرچه آن زن، مشرک بود و براساس سنت مذهبی نیاکان خود عمل کرده بود، اما برای برهنگی و بی‌توجهی او به قوانین جامعه اسلامی آیه نازل می‌شود. در تفسیر قمی این ماجرا در شأن نزول سوره توبه آورده شده، اما اکثر مفسران شیعی و اهل سنت این ماجرا را ذیل آیه ۲۷-۳۰ اعراف و تعبیر «فعلوا فاحشه» آورده‌اند.<sup>۱</sup> در هر دو صورت، این شأن نزول گرچه اعتراضی است بر شکستن مفاد صلح‌نامه و قانون‌شکنی آشکار مشرکان، اما شاهدی هم بر برخورد شارع با کسانی است که به قانون پوشیدگی در اسلام عمل نمی‌کنند، اصل پوشیدگی و موضوعیت پوشیدگی زنان - حتی زنان غیرمسلمان - در جامعه اسلامی را برمی‌تابد.

۱. و إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزکاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست. تا متذکر (نعمت‌های او) شوند (اعراف، ۲۶). جهت تفسیر ر.ک: طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۱۴-۱۲۰؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۵؛ و در منابع تفسیری شیعی ر.ک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۳؛ علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۳.

## ۵. پرسش از میزان پوشش زن مطلقه نزد همسر سابق

موضوع پرسش‌های عموم مردم از صاحب نظران و به‌ویژه نمایندگان شریعت نشانگر هنجار یا ناهنجار بودن یک رفتار و دغدغه و مسئله بودن آن است. در حدیثی از عایشه نقل شده است در مورد زن مطلقه‌ای که با مرد دیگری ازدواج کرده بود، اما در برابر همسر سابقش سر را برهنه کرد، سؤال شد (وَسُئِلَتْ عَنْ امْرَأَةٍ طَلَّقَهَا زَوْجُهَا وَتَرَوَّجَهَا رَجُلٌ فَتَحَسَّرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ) (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۸۸)، عایشه در گزارش خود از واژه «تَحَسَّرَتْ» استفاده می‌کند. ابن سیده گوید: زن حاسِر زنی است که پوشش خود را کنار نهاده و سر و ساق‌های دستش پیدا باشد (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۷۵-۲۷۶). حاسره هر معنایی داشته باشد، اینکه میزان پوشیدگی زنی در برابر همسر سابقش مورد سؤال واقع شود، اصل پوشیدگی و مسئله بودن حجاب در آن دوره را نشان می‌دهد.

## ۶. پوشش حضرت زهرا علیها السلام در گزارش‌های تاریخی

کاربرد واژه‌هایی با معنای پوشش و پوشیدگی در تاریخ صدر اسلام، به‌ویژه در جریان دادخواهی حضرت زهرا علیها السلام در سال دهم هجری، و ماجرای اسارت زنان پس از واقعه عاشورا - که خارج از بحث حاضر است - نمایانگر وضعیت پوشش در عصر نبوی و از دیگر نشانه‌های اصالت پوشش و مسئله‌بودگی حجاب و پوشش زنان در قرن اول است. ابن ابی طیفور (م ۲۸۰) در بلاغات النساء (بی تا، ج ۱، ص ۶)، ابوبکر جوهری (م ۳۲۳) در السقیفة و فدک (بی تا، ص ۱۰۰)، منصور آبی (م ۴۲۱) در نثر الدر فی المحاضرات (۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵) و ابن حمدون (م ۶۰۸) در التذکره الحمدونیه (۱۹۹۶، ج ۶، ص ۲۵۵) از علمای اهل سنت تعبیر «لا تلت خمارها علی رأسها؛ خمار را بر سرش پیچید» را آورده‌اند و در میان علمای شیعه، طبری (م قرن ۴) در دلایل الامامة منسوب به وی (۱۴۱۳، ص ۱۰۹-۱۱۰) و طبرسی (م ۵۴۸) در احتجاج (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۸) و دیگر منابع شیعی به این ماجرا پرداخته‌اند، البته با وجود افزودن جمله «اشتملت بجلبابها» در نقل طبرسی، به نظر می‌رسد وی از منابع اهل سنت نقل کرده باشد. به لحاظ سند، ابن ابی طیفور حدیث

را به طور مسند و با دو سند، یکبار از زینب بنت الحسین علیها السلام! و بار دیگر از عبدالله بن الحسن نقل کرده، اما در منابع اهل سنت مانند نثر الدر و التذکرة الحمدونیه بدون ذکر راوی و سند و با لفظ قالوا و قیل آورده شده است. روایت در بلاغات النساء (که نخستین منبع است) از دو طریق و به دو شکل بیان شده است:

الف) از عبدالله بن الحسن: لما أجمع أبو بكر رضي الله عنه على منع فاطمة بنت رسول الله فدك وبلغ ذلك فاطمة لاثت خمارها على رأسها وأقبلت في لمة من حفدتها تطأ ذيلها ما تخرم من مشية رسول الله شيئاً حتى... (ابن ابی طیفور، بی تا، ص ۶)؛

ب) از عمه اش زینب بنت الحسین! [ظاهراً بنت علی] علیها السلام قالت لما بلغ فاطمة علیها السلام اجماع أبي بكر على منعها فدك لاثت خمارها وخرجت في حشدة نساءها ولمة من قومها تجر اذراعها ما تخرم من مشية رسول الله شيئاً حتى... (همان، ص ۷). در متن روایت منصور آبی و ابن حمدون که سند و راوی ندارند و با لفظ قالوا و قیل آمده، مانند روایت احتجاج تعبیر «واشتملت بجلبابها» دیده می شود. ابن ابی الحدید (م ۶۵۶) به نقل از سیدمرتضی، طرق مختلف حدیث و از جمله عبدالله بن الحسن را آورده، اما بدون اشتملت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۲۱۱) و در بخش دیگر کتاب بار دیگر به نقل از سیدمرتضی همین روایت را از صالح بن کیسان از عروه از عایشه می آورد که اشتملت را دارد (همان، ص ۲۴۹).

در روایت صحیح دیگری، پوشش حضرت زهرا علیها السلام در حال نماز توصیف شده و امام باقر علیه السلام فرمود: «صلت فاطمة في درع و خمارها على رأسها ليس عليها أكثر مما وارت به شعرها؛ فاطمة با پیراهن نماز می خواند و روسری ای که بر سر او بود به غیر از موی سرش و گوش هایش [چیز دیگری] را نمی پوشاند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۵۷). این روایت در مباحثات فقهای شیعه زیاد استفاده شده است. صاحب مدارک گوید ممکن است به این حدیث بر واجب نبودن پوشش کردن در نماز استدلال نمود (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۹۰) البته در ابتداء می گوید در صورت صحت سند این روایت، دلالت بر وجوب نمی کند. محقق بحرانی این

۱. از آنجا که دختری به نام زینب برای امام حسین علیه السلام ذکر نشده و عمه عبدالله بن الحسن هم حضرت زینب علیها السلام بوده است؛ یعنی همان زینبی که شاهد رفتار حضرت زهرا علیها السلام پس از غصب فدک بود به نظر می رسد در اینجا تصحیف صورت گرفته است.

نوع پوشش را در حال ضرورت می‌داند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴) اما می‌گوید گذشته از اینکه روایت حالت ضرورت را بیان می‌کند، وجوب پوشش موراً هم می‌رساند؛ زیرا موی سر معمولاً بر گردن و بدن از جلو و عقب آویزان است و حضرت فاطمه علیها السلام از روی ناچاری و اینکه مقنعه‌اش، مانند سایر مقنعه‌ها بزرگ نبوده، موی سر خود را جمع نموده و در آن مقنعه کوچک گنجانده است؛ زیرا آنقدر بزرگ نبوده که موی حضرت را در حالت باز بودن پیوشاند. به همین علت موی سر خود را در آن جمع کرده است و اگر نماز بدون پوشش موی سر جایز بود، حضرت موی سر خود را در مقنعه جمع نمی‌کرد (همان). صاحب ریاض نیز حدیث را حمل بر ضرورت می‌کند و درباره وجوب پوشش گردن و مو ادعای اجماع می‌نماید (طباطبایی حائری، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۹-۲۴۰). طریق سند صحیح است، اما نکته قابل توجه اینکه باید عدم تلازم ستر صلاتی و ستر در برابر نامحرم را در نظر داشت. به دیگر سخن، تنها در نماز و آن هم در صورت ضرورت از این نوع پوشش استفاده شده است و در غیر نماز با توجه به روایات صحیحۀ مربوط به جواز پیدایی وجه و کفین، قابل استناد نیست. در مجموع، پوشیدگی بدن و سر و گوش در حال نماز از روایت استفاده می‌شود.

برخی با استناد به پوشش حضرت زهرا علیها السلام در گزارشی قابل تأمل از سلمان، قائل به حجاب حداقلی آن حضرت شده‌اند. براساس این گزارش، سلمان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار فاطمه علیها السلام رفت و وضعیت او را چنین توصیف کرد: «فَإِذَا هِيَ جَالِسَةٌ وَ عَلَيْهَا قِطْعَةٌ عَبَاءٍ إِذَا حَمَرَتْ رَأْسَهَا أَنْجَلَى سَاقُهَا وَإِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْكَشَفَ رَأْسُهَا فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ اعْتَجَزْتُ؛ دیدم که فاطمه نشسته و یک قطعه عبا در بر دارد، ولی هرگاه آن را روی سرش می‌کشد پاهایش بیرون می‌ماند، و هرگاه پاهایش را می‌پوشاند سرش نمایان می‌شود. وقتی چشم وی به من افتاد آن عبا را به سرش کشید» (سیدبن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۶). این روایت در منابع روایی معتبر شیعی، پیش از مهج الدعوات سیدبن طاووس (م ۶۶۴) که کتابی دعایی است دیده نشد و گرچه نام شیخ صدوق در سند روایت ابن طاووس وجود دارد؛ اما در هیچ‌یک از آثار شیخ صدوق، حتی موارد بازبایی شده از دیگر منابع، دیده نمی‌شود، البته گزارش

مشابهی از شیخ طوسی در رجال کشی (م ۳۴۰)، در مورد این ملاقات سلمان وجود دارد که بخش نهایی گزارش و دعای نور در آن نیست (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹) و در برخی دیگر تنها به نقل دعای نور پرداخته شده است. ابن حمزه طوسی (م قرن ۵ و ۶) و قطب راوندی (م ۵۷۳) روایت را مرسل با تعبیر «جفوتمونی بعد وفاة رسول الله ﷺ» آورده، بدون اشاره به پوشش فاطمه علیها السلام (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۷ و ۳۰۰؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۳)؛ البته با وجود مرسل بودن، سند دو نقل، متفاوت است. در مجموع نخستین بار ابن طاووس تحت عنوان «حرز آخر لمولاتنا فاطمة» آورده است و در هیچ کتابی قبل از آن دیده نشد و به نظر می‌رسد از نوگزاره‌های ابن طاووس است. برخی، کم بودن واسطه‌ها از فرات کوفی تا سلمان فارسی در سند روایت را دلیل دیگری بر ضعف سندی روایت دانسته، ادعای «مرسل خفی» برای سند آن می‌کنند، به این معنا که برخی راویان حذف شده‌اند و از این رو، حدیث را «معلل» می‌دانند و همچنین تفرد روایت در همه طبقات به جز طبقه چهارم را که آن را در زمره احادیث غریب<sup>۱</sup> قرار می‌دهد، دلیل دیگری بر ضعیف و غیرقابل اعتنا بودن آن می‌دانند (اصغرپور، ۱۳۹۵، ص ۴۹-۵۱). اشکالاتی که در متن روایت موجود است، مانند تعارض با دیگر روایات و تعارض با سیره حضرت زهرا نیز نشان از ضعف دلالتی گزارش داشته و در برابر روایات زیاد دیگری که حکایت از پوشیدگی آن حضرت دارد تاب نمی‌آورد.

ماجرایی شبیه خبر یادشده تنها در تفسیر قرطبی، از منابع اهل سنت ذکر شده که پیامبر با غلامی نزد فاطمه رفت و او لباسی داشت که اگر سر را می‌پوشاند، به پاهایش نمی‌رسید و اگر پای را می‌پوشاند به سر نمی‌رسید و پیامبر به او فرمود: «اشکالی ندارد این دو نفر پدر و غلام تو هستند» (ابوداؤد سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۶۲؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۹۵؛ قرطبی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۲۳۴). در متن روایت هیچ مطلبی در مورد پوشش زیر عبای حضرت وجود ندارد و تنها به کوتاهی عبا اشاره دارد - حدیث پیش گفته «صلت فاطمة علیها السلام فی درع و خمارها اعلی رأسها، لیس علیها اکثر مما وارت به شعرها و أذنیها» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱،

۱. حدیثی که تنها یک راوی متن آن را نقل کرده باشد و یا در سند آن تنها یک راوی باشد.



ص ۲۵۷) که بنا بر نظر مصحح کتاب من لا یحضره الفقیه از نظر طریق سند صحیح است و وجوب پوشش مو و دوگوش در نماز از آن فهمیده می‌شود، با این گزارش تاریخی در تعارض است؛ زیرا مطابق آن مو و گوش‌های حضرت پوشیده است. از سویی به نظر می‌رسد این روایت در تفاسیر شیعی حداقل در تفسیر «أو ما ملکة ایمانهن» به‌عنوان شاهد باید ذکر می‌شد، اما ذکر نشده است.

این سخن حضرت فاطمه علیها السلام که فرمود: «والله لتخرجنَّ او لاکشفنَّ شعری و لأعجنَّ الی الله؛ به خدا سوگند خارج خواهم شد و موی را آشکار کرده و ضجه خواهم زد» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۶؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۸، ص ۳۱۷)، گرچه حکایت از عمل وی نکرده و صرفاً تهدید به حساب می‌آید، نشانگر این است که اصل بر حجاب بوده و کشف حجاب در اینجا آن هم از سوی حضرت زهرا علیها السلام یک تهدید سیاسی است. بنابراین در حالت عادی او نباید موپیشان می‌کرد و گریبان پاره می‌کرد و در حالت بحرانی حربه‌ای است که جهت تهدید از آن استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، پریشانی موی برای حضرت فاطمه علیها السلام بر فرض صحت سند و دلالت، در حقیقت نوعی هنجارشکنی اجتماعی است و به چیزی تهدید می‌کند که هنجارشکن است و وقتی عدم پوشش موی سر ضد هنجار است، پس پوشش سر، هنجار خواهد بود.

مجموعه گزارش‌های ذکر شده و گزارش‌های مشابه گرچه به لحاظ سند و متن دارای ضعف‌هایی است، اما اینکه پوشیدگی و به‌ویژه پوشش سر در فضای صدور یا حتی زمان ساختن روایت جعلی مورد توجه واضح حدیث بوده، می‌تواند دلیلی بر اهمیت، رواج و مسئله‌بودگی آن در عصر نبوی باشد؛ زیرا گزارشگر در وضع و جعل حدیث معمولاً در مدلول‌های فرعی و مباحث حاشیه‌ای تلاش مضاعفی در انطباق با واقع می‌کند تا مطلب مورد نظرش به صدق نزدیک باشد و روایت برساخته‌اش به سادگی رد نشود و غالباً پوشش زنان از مباحث فرعی این روایات است.

## ۷. توصیه پیامبر ﷺ به پوشیدگی کامل

عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱) از محمد بن مسلم از صباح از مجاهد نقل کرده است که گفت: به من خبر رسید، زنی از مرکبش افتاد و لباسش کنار رفت؛ در حالی که پیامبر ﷺ نزدیک وی بود، پس آن حضرت از وی روی گرداند (فأعرض عنها) و به او گفته شد که آن زن سروال بر تن دارد و آن حضرت فرمود «یرحم الله المتسرولات؛ خدای زنان پوشاننده شلوار را رحمت کند» (صنعانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۱). سند روایت براساس دانش رجالی مرفوع است، یعنی از طریق صحابه مستقیم به پیامبر می‌رسد، اما وجود راوی ضعیف الحدیثی چون صباح موجب ضعف روایت می‌شود؛ گرچه دو راوی دیگر، یعنی محمد بن مسلم که با الفاظ صدوق و حسن الحدیث توصیف شده است و مجاهد که از ثقات است از نقاط قوت سند هستند. این روایت با سند و الفاظ دیگری توسط ابن عدی (م ۳۶۵) در الکامل ذکر شده است. وی گزارش را به شکل دیگری از امام علی (علیه السلام) آورده است که در یک روز بارانی زنی سوار بر مرکب در برابر دیدگان رسول خدا ﷺ بر زمین افتاد و آن حضرت روی برگرداند (فأعرض النبی عنها بوجهه) تا او را نبیند و هنگامی که گفته شد او شلوار پوشیده است. سه بار فرمود: «پروردگارا! پوشانندگان شلوار از امت مرا مورد رحمت قرار ده». و سپس شلوار را پوشاننده‌ترین لباس دانسته و حتی با جمله «اتخذوا السراویلات فانها من استر ثیابکم و خصوصا بها نساتکم اذا خرجن؛ شلوار در بر کنید؛ زیرا پوشاننده‌ترین لباس شما است و به ویژه هنگامی که زنانتان [از خانه] خارج می‌شوند. آن را بپوشند» (ابن عدی جرجانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ نیز ر. ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۶؛ ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۹۷). امر به پوشاندن سروال<sup>۱</sup> کرد. عقیلی (م ۳۲۲) حدیث ابن عدی را در کتاب الضعفا آورده و آن را محفوظ نمی‌داند، چون منفرد بوده و فقط از ابراهیم بن زکریا (که وضاع و ضعیف است) نقل شده است (عقیلی، ۱۴۱۸، ج ۱،

۱. سروال (=شروال، سرول، سراویل) مأخوذ از کلمه فارسی شلوار است که از اوائل عهد اسلام استعمال می‌شده است و پیامبر زائران مکه را از پوشیدن سراویل منع می‌کرد و به جای آن به پوشیدن ازار دستور می‌داد (جهت اطلاع بیشتر ر. ک: دُزی، راینهارت پیتز. آن، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، ص ۱۲۱-۱۲۲).

ص ۵۴). ابن جوزی (م ۵۹۷) هم روایتی با این مضمون را که از سعدبن طریف نقل شده از موضوعات می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۷)

در منابع شیعی، شیخ صدوق (م ۳۸۱) این روایت را در باب نوادر بدون ذکر سند و مقدمات مربوط به نقل از حضرت علی (علیه السلام) و تنها با تعبیر «رحم الله المسرولات» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۷) آورده است. پس از وی، ورام‌بن ابی فراس (م ۶۰۵) نیز بدون ذکر سند می‌آورد (ورام‌بن ابی فراس، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۹۷). به یقین ارزیابی سندی روایت در این دو منبع شیعی ممکن نیست؛ زیرا راویان مشخص نیستند. سیوطی (م ۹۱۱) مجموعه احادیث با این مضمون را در کتاب اللئالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعه گرد آورده و در پایان، حدیث را حسن می‌داند (یرتقی الحدیث الی درجه الحسن) (سیوطی، ۱۴۰۳، ص ۷۶۸-۷۷۰) و همچنین اشکالی، که به سند ابن عدی گرفته شده، نمی‌پذیرد و می‌گوید ابراهیم بن زکریا که ابن عدی وی را واسطی عبدی می‌داند و از ضعف است غیر از ابراهیم بن زکریای عجلی بصری در این حدیث است که نامش در شمار ثقات ذکر شده است و در پایان می‌نویسد: پس در این صورت، حدیث از شمار احادیث ساختگی خارج می‌شود (سیوطی، ۱۴۰۳، ص ۷۶۹).

اما به لحاظ متن، روایت یادشده منافاتی با قرآن و سنت نبوی ندارد که پوشیدگی را مطلوب می‌دانند و با پوشش زمانه پیامبر ﷺ حتی در گروه اندکی از مردم سازگاری دارد. از آنجا که شلوار از پوشاک ایرانی در دوره پارت‌ها و ساسانیان بوده و بعد به سرزمین و فرهنگ عرب وارد شده، توجه به این نکته ضروری است که در زمان ساسانیان افزون بر سه متر پارچه مستطیلی که برای شلوار در نظر می‌گرفتند و با کمر بند جمع می‌شد، یک پارچه بسیار ضخیم، و حتی چرمی به‌عنوان زیرپایی به شلوار اضافه می‌کردند که از زیر کف هر یک از پاها عبور می‌کرد (پوربهمن، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱)؛ بنابراین می‌توان تصور کرد اگر کسی با این پوشش از مرکب می‌افتاد، بدن او کاملاً پوشیده می‌ماند و روایت یادشده دور از واقعیات زمانه نبوده است.

در مجموع، روی گرداندن پیامبر از یک‌سو و دعا کردن برای زنانی که پوشش مناسب دارند، نشان از پوشیدگی زنان و اهمیت آن در عصر نبوی (البته نه به‌طور

یکسان در شبه‌جزیره) دارد و حتی اگر حدیث سند مناسبی نداشته باشد، جزئیات آن که مدلول اصلی نیست شاهدهی بر وضعیت پوشیدگی برخی زنان است.

گزارش شده پیامبر وقتی دختر نوجوانی (جاریه) نزد عایشه دید تکه پارچه‌ای به عایشه داده فرمود آن را دو قسمت کند و با نیمی از آن دخترک را بپوشاند و نیم دیگر را برای دختری که در خانه ام‌سلمه است بفرستد (ابوداؤد سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۷). اهمیت به پوشش سر زنان پس از رحلت پیامبر ﷺ نیز ادامه می‌یابد.

گزارشی مبنی بر بدون روسری بودن دختران تازه‌بالغ (کعب) هنگام بیعت با امام علی علیه السلام نشانی برای موضوعیت حجاب در قرن اول است. در نهج‌البلاغه در بحث بیعت مردم با امام علی علیه السلام و توصیف کیفیت هجوم آنان تعبیر «و حسرت الیها الکعب؛ و دختران تازه‌بالغ، بی نقاب به صحنه آمدند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۹) دیده می‌شود. این تعبیر در کنار تعابیری چون پاره شدن کفش امام به سبب هجوم مردم، افتادن عبا از دوش وی، پایمال شدن ناتوانان و سوار شدن بیماران بر دوش خویشانشان حکایت از وقوع امر غیرهنجار اجتماعی است. به دیگر سخن، حاسره بودن دختران نوجوان در عصر امام غیرهنجار و غیرمشروع است که برای نشان دادن افراط و هجمه شدید مردم به آن اشاره می‌کند. در شروع نهج‌البلاغه ترجمه‌های متفاوت برای این جمله دیده می‌شود، اما در مجموع موارد ناپوشیدگی سر ذکر شده است. ترجمه‌های دیگر مانند «شدت هجوم برای بیعت به‌گونه‌ای بود که ... و حجاب از روی دختران افتاد» (جعفری، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۵۸). و «دختران جوان - برای دیدن آن منظره - سربرهنه دوان» (شهیدی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۶۲). آمده است.

این عمل مورد ناخرسندی و اعتراض بوده و افکار عمومی نسبت به آن واکنش نشان می‌داده که امام در مورد اول و گزارشگر در مورد دوم به ذکر آن می‌پردازد و برای آن ارزش خبری قائل می‌شوند، همچنین به نظر می‌رسد از گزارش خروج زنان بنی‌هاشم از خانه با سر برهنه پس از شنیدن خبر شهادت امام علی علیه السلام و موی پریشان کردن آنان می‌توان برداشت کرد در حالت عادی و در غیر مصیبت‌زدگی سرهای زنان پوشیده بوده است.

در مجموع، گزارش‌ها بیانگر پوشش به مقتضای فرهنگ قومی و قبیله‌ای و التزام به ادیان و آیین‌های پیش از اسلام، قبل از نزول آیات حجاب در عصر نزول است و پس از نزول آیات حجاب، این التزامات فرهنگی قومی و قبیله‌ای جای خود را به التزام اطاعت از قوانین شریعت داد و نوع مواجهه پیامبر ﷺ با پوشیدگی زنان به اهمیت اجرای این حکم افزود.

### نتیجه‌گیری

وضعیت حجاب در عصر نبوی براساس روایات و گزارش‌های تاریخی قابل تصویرسازی است، اما بررسی و تحلیل این گزارش‌ها مستلزم توجه به بایسته‌های مطالعات حجاب‌محور است، مواردی از قبیل توجه به نظام قبیله‌ای در عصر نزول که مانع تعمیم رفتار اجتماعی و فرهنگی به تمام شبه جزیره می‌شود و ضرورت استناد به شواهد تاریخی به جای داده‌های تاریخی و تمرکز بر سیاست پیامبر ﷺ در زمینه حجاب از بایسته‌های این‌گونه مطالعات است. پوشیدگی در عصر نبوی با استناد به گزارش‌های تاریخی مرتبط با حجاب را براساس منطق تقسیم زمانی می‌توان در دو بخش مطرح کرد: وضعیت پوشش زنان پیش از نزول و پس از نزول آیات حجاب. امر پیامبر ﷺ به تستر زنان جاهلی پس از ظهور اسلام، گزارشی از پوشش حضرت خدیجه علیها السلام، دستور پیامبر به پوشش زنان پس از نبرد اُحد، نقش پوشش یک زن و شکستن حریم وی در وقوع نبرد بنی قینقاع و گزارش‌هایی مبنی بر تعیین حد پوشش دختران تازه‌بالغ توسط پیامبر ﷺ از مستندات تاریخی مربوط به پیش از نزول آیات حجاب است. گزارش‌هایی دالّ بر تغییر و تحول پوشش زنان پس از نزول آیات حجاب، تذکر در مواجهه با کم‌حجابی و بی‌حجابی، اعتراض به ناپوشیدگی برخی از زنان در طواف به‌عنوان نقض مفاد صلح‌نامه در سال دهم و نزول آیات اول سوره توبه به همین دلیل و گزارش‌هایی از کیفیت پوشش حضرت زهرا علیها السلام و اخباری ناظر بر توصیه پیامبر ﷺ به پوشیدگی کامل زنان از مستندات تاریخی مربوط به پس از نزول آیات حجاب است. با توجه به گزارش‌های یادشده می‌توان اذعان داشت اصل پوشیدگی چه براساس اقتضائات فرهنگی قومی و قبیله‌ای و چه به مقتضای

اطاعت از شریعت اسلامی در عصر نزول وجود داشته و حداقل، پوشیدگی سر و بخش‌های حساس بدن مرسوم بوده است، گرچه ارائه تصویر یکسان و هماهنگ از جزئیاتی مانند شکل، نوع و میزان پوشش در همه مناطق ممکن نیست.

## فهرست منابع

- \* قرآن كريم، ترجمه ناصر مكارم شيرازى
- \* نهج البلاغه، ترجمه هاى محمدتقى جعفرى و سيدجعفر شهيدى.
۱. أبى، أبوسعده منصور بن الحسين (١٤٢٤ق)، نثر الدر فى المحاضرات، خالد عبد الغنى محفوظ، بيروت: دارالكتب العلمية.
  ۲. آلوسى، محمود بن عبدالله (بى تا)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، بيروت: داراحياء التراث العربى، بى تا.
  ۳. ابن ابى طيفور، احمد بن ابى طاهر، بى تا، بلاغات النساء، بى جا، بى نا.
  ۴. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله (١٤٠٤)، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: مكتبه آيه الله مرعشى نجفى.
  ۵. ابن اثير، مجد الدين، النهاية فى غريب الحديث و الاثر، مؤسسه اسماعيليان، قم: ١٣٦٤ ش.
  ۶. ابن اثير، عز الدين أبوالحسن على بن ابى الكرم (١٩٧٠)، اسد الغابة فى معرفة الصحابة، قاهره: دارالشعب.
  ۷. ابن جوزى (١٤١٥)، الموضوعات، بيروت: دارالكتب العلمية.
  ۸. ابن حبيب بغدادى، محمد، المنمق فى اخبار قريش، بى نا، بى جا، بى تا.
  ۹. ابن حجر عسقلانى (١٤١٥)، الاصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية.
  ۱۰. ابن حنبل، احمد (بى تا)، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دارصادر.
  ۱۱. ابن حمدون، محمد بن الحسن (١٩٩٦)، التذكرة الحمدونية، بيروت: دارصادر.
  ۱۲. ابن حمزه طوسى، محمد بن على (١٤١٩)، الثاقب فى المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، قم: انصاريان.
  ۱۳. ابن راهويه، مسند ابن راهويه (١٤١٢)، الامام اسحاق بن راهويه ابراهيم بن مخلد الحنظلى المروزى و كتابه المسند، تحقيق عبد الغفور عبد الحق، مدينه منوره: مكتبه الايمان.

١٤. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، بي تا.
١٥. ابن طاووس، على بن موسى (١٤١١ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقيق ابوطالب كرماني، و محرر، محمد حسن، قم: دار الذخائر.
١٦. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن محمد (١٤١٢ق)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق: على محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل.
١٧. ابن عساكر (١٤١٥ق)، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق على شيري، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٨. ابن كثير، اسمعيل بن عمر (١٤١٢ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
١٩. ابن كثير (١٤٠٧ق)، البدايه و النهايه، بيروت: دارالفكر.
٢٠. ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني (بي تا)، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دارالفكر.
٢١. ابن منظور، على بن مكرم (١٤٠٥ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
٢٢. ابن هشام حميري، السيرة النبويه، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
٢٣. ابن هشام حميري (بي تا)، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى سقا و ابراهيم الاياري، بيروت: دارالمعرفه.
٢٤. ابوداود سجستاني، سليمان بن الأشعث (١٤٠٨ق)، المراسيل، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت مؤسسة الرسالة.
٢٥. ابوداود سجستاني، سليمان بن الأشعث (١٤١٠)، سنن ابى داود، تحقيق سعيد محمد اللحام، بيروت، دارالفكر.
٢٦. ازهرى (٢٠٠١)، تهذيب اللغة، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٧. الويرى، محسن و سيد محمد مهدى موسوى نيا (١٣٩٨)، «حریم جنسیتی در صدر اسلام»، از كتاب پوشش زنان در زمان پیامبر، ج ١، حجاب پژوهی، ویرایش مجید دهقان و محمد عشایری منفرد، قم: دفتر تحقیقات زن و خانواده.
٢٨. ايازی، محمد علی (١٣٨٦)، «نقد و بررسی ادله فقهي الزام حكومتی حجاب»، مجله فقه، سال ١٤، ش ٥١ و ٥٢.



۲۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین.
۳۰. بخاری، محمد بن اسمعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۳۱. بغوی (بی تا)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، بیروت: دارالمعرفه.
۳۲. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۱۰ق)، شعب الایمان، تحقیق أبی هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. بیهقی (بی تا)، سنن الکبری، بیروت: دارالفکر.
۳۴. پوربهمن، فریدون (۱۳۸۶)، پوشاک در ایران باستان، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۵. ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۰)، حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، فضای مجازی.
۳۶. جرجانی، عبدالله بن عدی (۱۴۰۹ق)، الکامل، تحقیق یحیی مختار غزاوی، بیروت: دارالفکر.
۳۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت.
۳۹. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفه و فدک السقیفه و فدک، تحقیق محمدهادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۴۰. حائری، علی بن محمد طباطبایی حائری (بی تا)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البیت.
۴۱. دهقان، مجید و محمد عشایری منفرد (۱۳۹۸)، «پوشش زنان در زمان پیامبر ﷺ»، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
۴۲. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۹ق)، تاریخ الاسلام، بیروت: دارالکتب العربی.
۴۳. ذهبی، شمس الدین (۱۴۲۷ق)، سیر اعلام النبلا، قاهره: دارالحدیث.

۴۴. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، تحقیق مؤسسة الامام المهدي، قم: مؤسسة الامام المهدي.
۴۵. راینهات پیتران دزی (۱۳۹۱)، فوهنگ البسه مسلمانان، مؤلف: مترجم: حسینعلی هروی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۴۶. زمخشری، محمودبن عمر (بی‌تا)، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق علی محمد البجاوی و محمد أبو الفضل إبراهيم لبنان: دار المعرفة.
۴۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۳ق)، اللالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعه، بیروت: المعرفة.
۴۸. شاه‌سنایی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «چگونگی حجاب در عصر نزول قرآن؛ تحلیل و نقد دیدگاه‌ها»، رساله دکتری، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۴۹. شاه‌سنایی، محمدرضا و محمدکاظم طباطبایی (۱۳۹۶)، «بررسی نظریه حجاب حداقلی درباره وضعیت پوشش در عصر جاهلیت و صدر اسلام»، مجله پژوهش‌های تاریخی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال ۵۳، ش ۲، ص ۸۹-۱۰۴.
۵۰. شهیدی، جعفر (۱۴۲۰ق)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: الشركة العلمية و الثقافية للطباعة و النشر.
۵۱. صدوق (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی.
۵۲. صنعانی، عبدالرزاق (بی‌تا)، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بی‌نا، بی‌جا.
۵۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۴. طبرانی (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، دار الحرمین.
۵۵. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۵۶. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: آل‌البيت.

۵۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر.
۵۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامة [منسوب]، قم: بعثت.
۵۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
۶۰. طوسی (شیخ) (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۶۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۲. عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۳)، «پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ»، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، سال ۲، ش ۱.
۶۳. عقیلی، ضعفاء العقیلی (۱۴۱۸ق)، دکتر عبد المعطی أمين قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۶۵. قابل، احمد (۱۳۹۲)، احکام بانوان در شریعت محمدی، شریعت عقلانی.
۶۶. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۹ق)، مفردات نهج البلاغه، تصحیح محمد حسن البکایی، تهران: مؤسسه قبه الثقایة.
۶۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۷۲)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۶۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دارالکتب.
۶۹. کدیور، محسن، خلاصه ای از جلسه مجازی پرسش و پاسخ دانشجویان ایرانی دانشگاه بین المللی سنگاپور، ۱۳۹۱/۴/۲۵.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: نشر اسلامیه.

۷۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
۷۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۴. مرتضی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۷۵. معرفت، محمدهادی (بی تا)، علوم قرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۷۶. مقاتل بن سلیمان (۲۰۰۲)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق احمد فرید، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۷. مقریزی، تقی الدین (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۸. موسوی عاملی، محمد بن علی (صاحب مدارک) (۱۴۱۱)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام، بیروت: مؤسسه آل البيت.
۷۹. واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق دکتر مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۸۰. ورام بن ابی فراس المالکی الاشری (۱۳۶۸)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۸۱. یعقوبی (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر.

### پایگاه‌های اینترنتی

۸۲. سایت مشرق، ۱۳۹۵/۳/۱۵، آذرتاش آذرنوش، کرسی آزاد اندیشی «حجاب در بستر تاریخ و فرهنگ عصر نزول».
۸۳. سایت شخصی محسن کدیور، mkadivar.wpengin.e.com، ۱۳۹۱/۴/۲۵.